



نقد دیدگاه عبدالعزیز دهلوی در انتساب تحریف قرآن به امامیه با تأکید بر روایات اصول کافی

* محمد کبیری شاه‌آباد

** سید محمدمهدی حسین‌پور

چکیده

با گذشت سال‌ها از ظهور اسلام، مخاصمات و اختلافات بر سر تفسیر قرآن همچنان یکی از موضوعات بحث‌برانگیز در جامعه اسلامی باقی مانده است. یکی از این مباحث نقدهای عبدالعزیز دهلوی به تحریف قرآن در کتب شیعه است. دهلوی ادعا می‌کند که شیعه به تحریف قرآن معتقدند و در کتب مهم شیعه، از جمله الکافی، به آن اشاره کرده‌اند. این ادعاها و نقدها از زمینه‌ای کلامی و فقهی برخاسته‌اند که بررسی و تحلیل دقیق آن‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد. در این مقاله نقدهای دهلوی بر تحریف قرآن در کتاب اصول کافی بررسی و ارزیابی می‌شود. در ادامه، ادعاها و احتمالات دهلوی به دقت بررسی می‌گردد و سپس پاسخ‌های شیعه به این نقدها در دو ساحت نقضی و حلی بیان خواهد شد. این مقاله با استفاده از روش‌های پژوهش کتاب‌خانه‌ای و تحلیل محتوا صورت می‌گیرد و نتایجش می‌تواند به فهم درست از عقاید امامیه و بهبود درک عمیق‌تر و ارتباطات بین اقشار مختلف جامعه اسلامی کمک کند.

کلیدواژه‌ها: عبدالعزیز دهلوی، امامیه، تحریف قرآن، اصول کافی.

* دانشجوی دکتری مذاهب کلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول)

mohamaadkabiri454@gmail.com

** استادیار گروه مذاهب اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران

smm.hosseinpour@urd.ac.ir

مقدمه

قرآن کتاب آسمانی و الهی و معجزه جاویدان نبی اکرم ﷺ بوده و هست. از این رویکی از ارکان جاودانگی قرآن، سلامت و مصون بودنش از تحریف است. بنابراین، یکی از مسائل بسیار مهم و اساسی در حوزه قرآن پژوهی بحث تحریف ناپذیری قرآن است. عقیده رسمی و قطعی شیعه امامیه از زمان ائمه علیهم السلام تاکنون هم اعتقاد به تحریف نشدن لفظی قرآن بوده است. به نظر می‌رسد برخی افراد، از جمله شاه‌عبدالعزیز دهلوی، محدث و فقیه سنی مذهب هندی، به این باور رسیده‌اند که شیعه به تحریف و تغییر قرآن معتقدند. ایشان این باور را جزء عقاید شیعه می‌دانند و برای جلوگیری از گسترش شیعه در هند مواضع ضدشیعی اتخاذ می‌کند. این موضوع در رساله سعادة الدارين فی شرح حدیث ثقلین^۱ اثر دهلوی، بررسی و نقد شده است.

در ایرادهایی که عبدالعزیز دهلوی مطرح کرده، انتساب تحریف قرآن به جامعه شیعه بیان شده است. او برای اثبات این ادعا به روایاتی از کتاب اصول کافی، اثر کلینی، اشاره می‌کند که از مهم‌ترین و معتبرترین منابع متقدم حدیثی شیعه است، از جمله روایت هفده هزار آیه، حذف اسامی هفتاد نفر از قریش و اسامی اهل بیت علیهم السلام از آیات قرآن. همچنین، به کلام محدث نوری در فصل الخطاب هم اشاره می‌کند. اگرچه کتب متعددی در زمینه اثبات تحریف ناپذیری قرآن و پاسخ به شبهات مخالفان شیعه درباره انتساب تحریف قرآن به آن‌ها تألیف شده، اما متنی که به طور مستقل با تمرکز بر ادعاهای دهلوی در این زمینه تدوین شده باشد و با استناد به کتاب سعادة الدارين به این مسئله پرداخته باشد، یافت نشد. با مراجعه به این روایات و بررسی آن‌ها پرسشی مطرح می‌شود: ادعای دهلوی دقیقاً چیست؟ چه تصویری از مدعیات او پدیدار می‌شود؟ در این پژوهش، با رویکرد توصیفی تحلیلی مدعیات دهلوی را بررسی و نقد می‌کنیم و نشان می‌دهیم در دوران کلینی و دیگر علمای شیعه هیچ‌گاه ادعای باور به تحریف قرآن مطرح نشده است. همچنین، شواهد و قرائنی وجود دارد که نشان می‌دهد کلینی به تحریف قرآن معتقد نبوده است. این بررسی به‌وضوح نشان می‌دهد که آیا این اختلافات به تضاد و بی‌توجهی به وحدت اسلامی می‌انجامد یا اینکه می‌توان این تفاوت‌ها را فرصتی برای تعمیق درک از اصول دینی و ارتقای گفت‌وگوی مذهبی دانست.

۱. اشکال اول دهلوی: التزام شیعه به تحریف قرآن

یکی از اعتقادات مسلمانان و فرقه‌های اسلامی تحریف نشدن قرآن است. بر اساس آن، قرآن موجود نزد مسلمانان بدون هیچ نقص و زیادتی از زمان پیامبر اکرم ﷺ تاکنون همان بوده است. اما عبدالعزیز دهلوی این سخن را درباره شیعه قبول نداشته و تحریف قرآن را جزء معتقدات امامیه شمرده است: «قرآن نزد شیعه اعتبار کامل ندارد، چراکه نزدشان دست‌خوش تحریف شده و بسیاری از احکامش منسوخ است. بنابراین، همانند تورات و انجیل فاقد صلاحیت است و شایسته نیست به آن تمسک شود و آنچه از قرآن به جا مانده کم و زیاد شده است»^۲ (دهلوی، ۱۴۲۸: ۷۸).

بررسی و نقد

عبدالعزیز دهلوی اولین نفری نیست که این اتهام را به شیعه روا داشته، بلکه از دیرباز افرادی این ادعا را درباره شیعه مطرح کرده‌اند. ابوالحسن اشعری^۳ (اشعری، ۱۴۱۹: ۱۱۹/۹)، عبدالقاهر بن طاهر البغدادی (بغدادی، ۱۹۷۷: ۳۱۵) و ابن حزم ظاهری (ابن حزم اندلسی، ۱۴۲۲: ۲۲۱) افرادی هستند که اعتقاد به نقص قرآن را به شیعه نسبت داده‌اند. در عصر حاضر هم نویسندگان وهابی گوی سبقت را از دیگران ربودند و تا جایی که توانستند علیه شیعه در مسئله تحریف قرآن کریم شبهه‌افکنی کردند. احسان الهی ظهیر در کتابش تحریف قرآن کریم را از اعتقادات شیعه برمی‌شمرد و می‌نویسد: «اما شیعه قرآنی را که از سوی خدا مصون می‌شود اعتقاد ندارند و با اعتقاد اهل سنت مخالف‌اند و روایاتی را که درباره قرآن و حدیث وارد شده انکار می‌کنند» (ظهیر، بی‌تا: ۶۱). سید محمود آلوسی، طبق گفته ناصر القفاری، اولین فردی است که کتاب اعتقاد شیعه به تحریف قرآن را در کتاب تفسیری خود جای داد و قرائن و شواهدی بر آن عرضه کرد (آلوسی بغدادی، بی‌تا: ۲۳/۱). محمد بیومی، از دیگر محققان وهابی، یکی از مهم‌ترین اختلاف‌های اهل سنت و شیعه را مسئله تحریف قرآن نزد شیعه مطرح می‌کند: «اما الشيعة فيعتقدون ان القرآن الكريم محرف و مبدل انه زيد و نقص منه آيات كثيرة و ان الناقص منه يعادل ضعفی القرآن الموجود الان» (بیومی، ۱۴۲۷: ۲۳۸). با توجه به ایراد شبهه دهلوی و دیگران بر اعتقاد شیعه راجع به تحریف قرآن لازم است ابتدا مفهوم «تحریف»، از جهت لغوی و اصطلاحی، و سپس دیدگاه امامان معصوم علیهم‌السلام، و بالتبع علمای شیعه، بررسی شود.

مفهوم «تحریف» در لغت و اصطلاح

راغب اصفهانی می‌گوید «تحریف» از ریشه «حرف» و جمع آن «احرف» به معنای طرف و کناره است (راغب اصفهانی، ۱۴۲۸: ۱۱۹)، چنان‌که همین معنا در قرآن کریم استعمال شده است: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يُعْبِدُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ» (حج: ۱۱). ابن فارس برای «حرف» (حاء، راء، فاء) سه ریشه معنایی ذکر کرده که یکی از آن‌ها «عدول و انحراف عن الشيء» است. از همین معنا تحریف در کلام است، یعنی عدول کردن از جهت کلام، چنان‌که خداوند متعال می‌فرماید: «يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ» (مائده: ۱۳). در نتیجه «تحریف» عبارت است از عدول و انحراف از جایگاه خود و انتقال آن در غیر موضعش؛ و تحریف کلامی یعنی عدول و به انحراف کشیدن کلام از موضع خودش (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴۲/۲).

از نگاه اصطلاحی، «تحریف» معانی گوناگونی دارد که بعضی از آن مجاز واقع شده و برخی دیگر غیرمعقول، و به اجماع مسلمانان باطل است.^۴ اما آنچه محل بحث و مناقشه است تحریف به زیادت و نقصان است؛ یعنی آیه یا سوره‌ای از قرآن کریم به عمد یا سهوی کاسته یا به آن اضافه شده است. این فرض از نگاه شیعه باطل و مرود است. حال آنکه عبدالعزیز دهلوی و دیگر محققان وهابی، به ناروا، تحریف قرآن را به مذهب امامیه نسبت داده‌اند. تحریفی که در این بحث محل مناقشه است و دهلوی بر اساس آن بر شیعه اشکال کرده، تحریف از نوع زیادت و نقصان آیه یا سوره‌ای از قرآن کریم است که در این مجال به اختصار پاسخ داده می‌شود.

پاسخ به اشکال اول

الف. ضمانت الهی بر مصون بودن قرآن

یکی از بارزترین دلایلی که شبهه تحریف قرآن را نفی می‌کند ضمانتی است که خداوند متعال آن را وعده داده و از گزند آفات مصون داشته است: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (حجر: ۹). این آیه سلامت قرآن را کاملاً تضمین می‌کند. از طرفی مقتضای «قاعده لطف» چنین است، زیرا کتاب قرآن سند حیات اسلام و دلیل حقانیت پیامبر اکرم ﷺ است و باید از آفات محفوظ بماند. دلیل دیگری که قاطعانه سلامت قرآن را تأیید می‌کند و از بزرگ‌ترین دلایل بر رد شبهه تحریف شمرده شده، اعجاز قرآن کریم

است، چراکه لازمه احتمال زیادت امکان هم‌آوردی با قرآن است، حال آنکه بدیهی است که هیچ کس قدرت آن را ندارد که حتی آیه‌ای از جهت بلاغت و فصاحت و محتوا و بیان، همانند قرآن بیاورد. قرآن کریم می‌فرماید: «قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا» (اسراء: ۸۸).

ب. قرآن و ائمه معصوم شیعه

پیروان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام، در همه مسائل، اصول و فروع دین اسلام را از امامان معصوم علیهم‌السلام خویش و آن‌ها هم از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اخذ می‌کنند. قطعاً ائمه اطهار علیهم‌السلام مسلمانان را به همین قرآن موجود ارشاد می‌کردند و به طور کلی احتمال تحریف را در قرآن کریم منتفی می‌دانستند. در ادامه، به چند نمونه از نصوص روایی اهل بیت علیهم‌السلام اشاره می‌کنیم.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام در بیان عظمت و تجلیل قرآن کریم می‌فرمایند: «آگاه باشید همانا این قرآن پنددهنده‌ای است که نمی‌فریبد و هدایت‌کننده‌ای است که گمراه نمی‌سازد و سخن‌گویی است که هرگز دروغ نمی‌گوید. کسی با قرآن همنشین نشد مگر آنکه بر او افزود یا از او کاست، در هدایت او افزود و از کوردلی و گمراهی اش کاست» (سید رضی، ۱۳۸۶: خطبه ۱۷۶). امام حسن مجتبی علیه‌السلام این‌گونه قرآن را بیان می‌کند: «به‌درستی که این قرآن، چراغ‌های روشنایی و شفای سینه‌ها در خود دارد ... کتاب خداست که در آن تفصیل هر چیزی آمده است؛ باطل از پیش روی آن و از پشت سرش به آن نمی‌رسد و مرجع و تکیه‌گاه در هر امری است. تأویل (تفسیر) آن ما را به خطا نمی‌اندازد، بلکه ما به حقایق آن یقین داریم. پس از ما پیروی کنید، زیرا پیروی از ما واجب (مفروض) است»^۵ (مجمع‌العالمی لاهل‌البیت، ۱۴۲۲: ۱۹۶/۴). همچنین، در اولین بند پیمان صلح‌نامه^۶ و‌اگذاری حکومت به معاویه، عمل به کتاب خدا و سنت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را مشروط کردند (سید رضی، ۱۳۸۶: ۱۹۷/۴؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ۲۸۷/۳). امام حسین بن علی علیه‌السلام، که در واقع برای حفظ دین اسلام و نجات از مہجوریت قرآن تمام هستی اش را فدا کرد، در خطابه‌ها و مواظمت متعددی از مسیر مکه تا کربلا^۷ (ابن‌کثیر، بی‌تا: ۱۸۸/۵) و حتی بعد از شهادت (راوندی، ۱۴۰۹: ۵۷۷/۲)^۸ از همین آیات قرآن قرائت کردند و هر کدام از امامان دیگر همچون امام سجاده علیه‌السلام (الصحيفة السجادية: ۱۷۶، دعای ۴۲)^۹، امام باقر علیه‌السلام (فیض

کاشانی، ۱۴۱۲: ۴۴۳/۲۶)،^۹ و امام صادق علیه السلام (کلینی، ۱۴۰۷: ۶۰۰/۲) قرآن موجود نزد را مایه هدایت و نجات از گمراهی شمرده‌اند.

ج. تحریف‌ناپذیری قرآن از نگاه عالمان شیعه

پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام، بزرگان و علمای تأثیرگذار به شدت با وقوع تغییر و تحریف در قرآن کریم مخالفت کرده‌اند و آنچه به آن‌ها نسبت داده می‌شود کذب محض است. در ادامه، به دیدگاه چند تن از علمای شیعه اشاره می‌کنیم.

۱. شیخ صدوق در بیان اعتقادات شیعه می‌نویسد: «اعتقاد ما جماعت شیعه بر آن است که قرآنی که خداوند تعالی بر پیغمبرش محمد صلی الله علیه و آله و سلم نازل کرده همین قرآنی است که اینک در میان دو صفحه جلد است و بیشتر از این مقدار نیست» (ابن‌بابویه، ۱۴۱۴: ۸۴).

۲. شیخ مفید درباره صیانت قرآن از تحریف می‌گوید: «لا شک ان الذی بین الدفتین من القرآن جمیعہ کلام الله تعالی تنزیله و لیس شیء من کلام البشر و هو جمهور المنزل»؛ و در ادامه تأکید می‌کند که ما طبق روایات صحیح از ائمه اطهار علیهم السلام به قرائت آنچه میان دو جلد است، بدون نقصان و زیادت، مأمور شده‌ایم (مفید، ۱۴۱۳: ۸۱/۷۸).

۳. شیخ طوسی درباره نقصان و زیادت قرآن می‌فرماید: «سخن درباره زیادت و نقصان کتاب خدا از آن چیزهایی است که در شأن قرآن و شایسته آن نیست، زیرا اجماع بر عدم زیادت است؛ و اما نقصان، این عقیده با ظاهر دیدگاه‌های مسلمانان مخالف است و در واقع همین (عدم نقصان و زیادت قرآن) شایسته مذهب ماست. کلام سید مرتضی و ظاهر روایات بر همین مطلب دلالت می‌کند» (طوسی، بی‌تا: ۳/۱).^{۱۱}

۴. حسن بن یوسف حلّی، در جواب سید مهنا، می‌گوید: «حق آن است که هرگز تبدیل، تأخیر و تقدیم در قرآن راه نداده است. زیادت و کاستی هم در آن نیست. از اینکه کسی چنین چیزی را قبول داشته باشد به خدا پناه می‌بریم، زیرا موجب طعن در معجزه بی‌بدیل اسلام می‌شود»^{۱۲} (حلّی، ۱۴۰۱: ۱۲۱).^{۱۳}

نکته‌ای که تأیید این دیدگاه را تقویت می‌کند، مواضع برخی علمای اهل سنت است که صراحتاً تحریف قرآن در میان شیعه را رد کرده‌اند. از باب نمونه، محمد غزالی در پاسخ به شبهه انتساب تحریف قرآن به شیعه می‌نویسد: «جهان اسلام، از زمان بعثت

پیامبر اکرم ﷺ تا امروز، پس از چهارده قرن تاریخ، در سه قاره گسترش یافته است. با این حال، فقط یک مصحف را می‌شناسد که آغاز و انجامش به روشنی مشخص است و سوره‌ها، آیات و واژگانش دقیقاً شمارش شده، و این مصحف نزد شیعه و اهل سنت یکسان است» (غزالی، ۲۰۰۵: ۲۱۹). همچنین رحمة الله هندی، مؤسس مدرسه صولتیة مکه، در بخشی از کتابش به اقوال علمای شیعه و اجماع ایشان بر تحریف نشدن قرآن اشاره می‌کند (هندی، ۱۴۳۰: ۹۲۸/۳).

د. تفاوت تحریف‌گرایی در قرآن و عهدین

دهلوی در بخشی از ادعای خویش شیعه را به مسیحیت تشبیه می‌کند و می‌گوید همان‌طور که قرآن نزد شیعه به سبب تحریف شدن اعتباری ندارد، تورات و انجیل هم به دلیل تحریف و تغییر، فاقد صلاحیت و تمسک‌اند. در حالی که این تشبیه، قیاس مع الفارق است و دهلوی به آن توجه نداشته است، چراکه بر اساس شواهد و قرائن در متن عهدین، تحریف در آن دو در حوزه درون‌متنی است (نجارزادگان، ۱۳۹۱: ۱۲۱-۱۲۲).^۴ اما تمام ادله تحریف قرآن، بر اساس نصوص روایی و اسناد تاریخی، برون‌متنی است که آن هم از نظر شیعه باطل و مردود است. شیعه قرآن را کاملاً از هر گونه تغییر و تحریف به زیادت و نقصان منزه می‌داند و تمسک جستن به کتاب خدا را مایه هدایت و نجات از انحراف و گمراهی قلمداد می‌کند.

۲. اشکال دوم دهلوی: کلینی و اعتقاد به تحریف قرآن

یکی از نقدهای مخالفان شیعه بر الکافی روایاتی است که بوی تحریف و تغییر از آن‌ها به مشام می‌رسد. بر این اساس یکی از معتقدات مذهب امامیه را التزام شیعه به تحریف‌پذیری قرآن می‌شمرند. عبدالعزیز دهلوی با استناد به روایاتی از اصول کافی شیعه را به پذیرش تحریف قرآن از نوع زیادت و نقصان متهم می‌کند. لذا لازم است ابتدا اشکال دهلوی را تقریر، و سپس بررسی و ارزیابی کنیم.

دهلوی برای اثبات ادعای خویش می‌گوید کلینی (فقیه امامیه و یکی از بزرگ‌ترین راویان آنان) از هشام بن سالم و او از اباعبدالله ﷺ روایت می‌کند که گفت قرآنی که جبرئیل برای محمد ﷺ آورده هفده هزار آیه بود؛ و محمد بن ابی‌نصر از او روایت

می‌کند که گفت در سوره «لم یکن» هفتاد نفر در قریش به اسم خود و پدرانشان نام برده شده بودند و در آیه «لاتحزن ان الله معنا» قبل از آن کلمه «ویلک» بوده که از آن حذف شده و بعد از «وکفی الله المؤمنین القتال» تعبیر «به علی بن ابی طالب» بوده که از آن حذف کرده‌اند. از آیه «سيعلم الذين ظلموا ای منقلب ینقلبون» هم «آل محمد» را حذف کرده‌اند و می‌گویند بعد از «و لکل قوم هاد» کلمه «علی» را حذف کرده‌اند. همه این‌ها را ابن شهر آشوب مازندرانی در المثالب ذکر کرده است. همچنین، آن‌ها معتقدند و میانشان مشهور است که برخی از سوره‌ها، مثل سوره ولایت، کاملاً از قرآن حذف شده‌اند و برخی سوره‌ها، همچون سوره احزاب، بیشترش حذف شده و در اصل این سوره به اندازه سوره انعام بوده که آیاتی در فضیلت اهل بیت و احکام امامتشان در آن آمده بود اما از آن حذف شده است. لذا به ادعای آن‌ها بسیاری از کلمات و آیات قرآن مثل این‌ها از قرآن حذف شده یا تغییر کرد و منسوخ شده و ناسخش مشخص نیست (دهلوی، ۱۴۲۸: ۷۸).^{۱۵}

پاسخ اشکال

برای پاسخ به ادعاهای دهلوی لازم است در دو مرحله اتهام تحریف ارزیابی شود.

الف. پاسخ نقضی

اگر سخن از تحریف قرآن باشد روایات فراوانی در مجامع حدیثی و تفسیری اهل سنت موجود است که بر تغییر و تحریف، اعم از زیادت و نقصان این کتاب آسمانی، دلالت صریح دارد،^{۱۶} حال آنکه دهلوی از روایات خویش چشم‌پوشی کرده است، از جمله:

۱. **تحریف به نقصان در الفاظ و حروف قرآن؛** در منابع اهل سنت دیدگاه‌های مختلفی درباره تعداد حروف و الفاظ قرآن وجود دارد. ابن جوزی ادعای اجماع کرده و حروف قرآن را سیصد هزار می‌داند (ابن جوزی، ۱۴۰۷: ۱۳۳) و در مقدار بیشتر از آن اختلاف است. حمزة بن حبيب مقدار اضافه را ۷۳۲۵۰ حرف، ابن مسعود ۴۷۴۰ حرف، و سیوطی ۳۲۳۶۷۱ حرف می‌شمرد (سیوطی، ۱۴۲۹: ۱۳۴/۱)^{۱۷} که با این احتساب تفاوت چشمگیری با رقم اجماعی خواهد داشت. جالب اینکه نورالدین هیتمی از عمر بن خطاب نقل می‌کند که حروف قرآن بیش از یک میلیون حرف است (هیتمی، ۱۴۰۲: ۱۶۳/۷).^{۱۸}

۲. تحریف به نقصان در تعداد آیات قرآن؛ در منابع اهل سنت درباره تعداد آیات

قرآن کریم روایات مختلفی نقل شده است:

الف. حذف آیه «رجم»؛ بخاری از ابن عباس نقل می‌کند که عمر بن خطاب بر روی منبر می‌گفت: «خداوند پیامبر ﷺ را از جانب خود برانگیخت و قرآن را بر وی نازل کرد و از چیزهایی که بر ایشان فرو فرستاد آیه رجم^{۱۹} بود. خوف آن دارم که بر اثر طولانی بودن زمان، فردی بگوید آیه رجم را در کتاب خدا نیافتم و مردم بر اثر ترک این واجب الهی گمراه شوند» (بخاری، ۱۴۱۴: ۲۵۰۳/۶، ۲۵۰۴، ۶۴۴۱ و ۶۴۴۲).^{۲۰}

ب. حذف آیه رغبت؛ عمر بن خطاب معتقد بود آیه رغبت از قرآن افتاده است: «قال عمر: کنا نقرأ: لا ترغبوا عن آباءکم فانه کفر بکم ان ترغبوا عن آباءکم، او ان کفرا بکم ان ترغبوا عن آباءکم» (همان: ۲۵۰۵/۶).

ج. حذف آیاتی از سوره احزاب؛ بر اساس چندین روایت از ابی بن کعب، بخشی از سوره احزاب که در تعداد آیات به اندازه سوره بقره و حتی بیشتر بوده، حذف شده است (ابن حنبل، ۱۴۱۴: ۲۱۲۶۴/۴۱). حاکم نیشابوری بعد از نقل روایت می‌گوید: «هذا الحدیث صحیح الاسناد و لم یخرجاه (بخاری و مسلم)» (نیشابوری، ۱۴۱۱: ۴۱۵/۲).^{۲۱} همچنین، سیوطی، به نقل از عایشه، می‌گوید سوره احزاب در زمان حیات پیامبر ﷺ دو یست آیه بود و در زمان عثمان وقتی قرآن را می‌نوشت بیش از ۷۵ آیه نیافت (سیوطی، ۱۴۲۹: ۵۵۹/۶)؛ یعنی گویی ۱۲۷ آیه از سوره احزاب حذف شده است!

د. حذف آیه فراش؛ عمر بن خطاب نه فقط خود به تحریف قرآن اعتقاد داشت، بلکه گاه از دیگران اقرار به نقص قرآن می‌گرفت: «ان عمر بن الخطاب قال لابی بن کعب: أو لیس کنا نقرأ من کتاب الله أن انتفاء کم من آباءکم کفر بکم؟ فقال: بلی، ثم قال: أو لیس کنا نقرأ الولد للفراش و للعاهر الحجر فقد فیما فقدنا من کتاب الله؟ فقال (ابی): بلی» (هندی، ۱۹۸۹: ۲۰۸/۶، ۱۵۳۷۱).

۳. تحریف به نقصان و زیادت در تعداد سوره‌ها: الف. نبودن معوذتین جزء

قرآن؛ آلوسی، از مفسران مشهور اهل سنت، در کتابش از مصحف ابن مسعود نقل می‌کند که تعداد سوره‌های قرآن ۱۱۲ سوره است و معوذتین (فلق و ناس) جزء سوره‌های قرآن نبوده و ابن مسعود در مصحفش ذکر نکرده است (آلوسی، بی‌تا: ۲۵/۱).^{۲۲}

ب. حذف سوره‌های «الحفد» و «الخلع»؛ آلوسی در نقلی دیگر از مصحف ابی بن کعب می‌گوید تعداد سوره‌های قرآن ۱۱۵ بوده که بعد از سوره عصر، سوره‌های «الخلع» و «الحفد» قرار داشته است (همان: ۲۵/۱). همچنین، سیوطی به طریق عبید بن عمر و عبدالله بن عبدالرحمن این دو سوره را جزء سوره‌های قرآن نقل می‌کند و عمر بن الخطاب در قنوت نمازش این دو سوره را قرائت می‌کرد (سیوطی، ۱۴۲۹: ۱۳۰/۱؛ آلوسی، بی‌تا: ۲۵/۱).^{۲۳}

ب. پاسخ حلی

بر اساس آنچه گذشت، شیعه به تحریفی بودن قرآن اعتقادی ندارد. لذا اینکه شیعه به این کتاب آسمانی موجود ایمان ندارد و آن را محرف می‌پندارد، تهمتی بزرگ و دروغی بیش نیست.

بررسی دیدگاه کلینی راجع به تحریف قرآن

با نگاهی کوتاه به مقدمه کتاب کافی، که در واقع بیانگر چکیده اعتقادات کلینی درباره قرآن کریم است، با عباراتی مواجه می‌شویم که همگی نشان می‌دهد کلینی قرآن کریم را کتابی جامع و کامل، و از هر نقص و تحریفی مبرا می‌دانسته است، عباراتی از قبیل: «فَاعْلَمْ يَا أَخِي»، «أَزْشَدَكَ اللَّهُ»، «أَنَّهُ لَا يَسْعُ أَحَدًا تَمْيِيزُ شَيْءٍ مِّمَّا اخْتَلَفَتِ الرَّوَايَةُ فِيهِ عَنِ الْعُلَمَاءِ: بِرَأْيِهِ، إِلَّا عَلَى مَا أَطْلَقَهُ الْعَالَمُ بِقَوْلِهِ: اغْرِضُوهَا عَلَى كِتَابِ اللَّهِ، فَمَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ (عَزَّوَجَلَّ) فَخُذُوهُ وَمَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ فَرُدُّوهُ»، «وَ أَنْزَلَ إِلَيْهِ الْكِتَابَ، فِيهِ الْبَيَانُ وَالتَّبْيَانُ (قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عَوَجٍ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ) قَدْ بَيَّنَّهُ لِلنَّاسِ وَ نَهَجَهُ، بَعْلِمُ قَدْ فَصَّلَهُ وَ دِينَ قَدْ أَوْصَحَهُ وَ فَرَائِضَ قَدْ أَوْجَبَهَا وَ أُمُورٍ قَدْ كَشَفَهَا لِخَلْقِهِ وَ أَعْلَنَهَا، فِيهَا دَلَالَةٌ إِلَى النَّجَاةِ وَ مَعَالِمٌ تَدْعُو إِلَى هِدَاةِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۷/۱، ۲۰۳). با توجه به این خطبه چگونه می‌توان ادعا کرد او به تحریف قرآن اعتقاد داشته است؟ آیا معقول است کسی که به تحریف اعتقاد دارد به قرآن استناد کند و تعابیر «البیان»، «التبیان» و «غیر ذی عوج» را به کار ببرد؟ بهتر بود عبدالعزیز دهلوی قبل از دست به قلم شدن و اتهام‌زنی، اندکی خطبه کافی را مطالعه می‌کرد. همچنین، بسیاری از عناوین کافی شبهه تحریف قرآن را می‌زداید، زیرا عنوان‌هایی چون: «باب الاخذ بالسنة و شواهد القرآن» (همان: ۵۹/۱) که مشتمل بر ۱۲ حدیث است و «کتاب

فضل القرآن» (همان: ۶۹/۱) که مشتمل بر ۱۲ باب و ۹۴ روایت است گویای این پیام است که وی قرآن را از هر تحریف و دگرگونی ای منزه دانسته است.

بررسی روایات دال بر تحریف

الف. حدیث هفده هزار آیه: «عَلَىٰ بَنِي الْحَكَمِ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ الْقُرْآنَ الَّذِي جَاءَ بِهِ جَبْرِئِيلُ عليه السلام إِلَىٰ مُحَمَّدٍ عليه السلام سَبْعَةَ عَشَرَ أَلْفَ آيَةٍ» (همان: ۶۳۴/۲)، در حالی که قرآن کریم شش هزار و چند صد آیه بیشتر ندارد و بر اساس این روایت نزدیک به دوسوم از آیات قرآن حذف شده است.

در پاسخ می‌توان گفت حدیث مذکور از جهت سندی، بنا بر طریق هارون بن مسلم، موثق و بر اساس سند هشام بن سالم، صحیح است (مجلسی، ۱۳۷۹: ۵۲۵/۱۲)؛ و از جهت دلالتی در ظاهر نامعقول است، چون نتیجه‌اش حذف شدن دوسوم آیات قرآن است. ولی همین روایت نمی‌تواند دلیل بر تحریف قرآن باشد، زیرا این نقد در صورتی وارد است که تعبیر «سبعة الف عشر» به نقل از کلینی ثابت باشد، در حالی که متن روایت بنا بر شواهد و نسخه‌های چاپی (کلینی، ۱۴۰۷: ۶۷۴/۴) موجود «سبعة الف آية» بوده و کلمه «عشر» در حدیث را روات حدیث سهواً اضافه کرده‌اند، چنان‌که فیض کاشانی (فیض کاشانی، ۱۴۱۲: ۱۷۸/۹، ۹۰۸۹) و مجلسی (مجلسی، ۱۳۷۹: ۵۲۵/۷) این روایت را بدون ذکر «عشر» آورده‌اند که نشان می‌دهد آن دو، نسخه اصلی یا تصحیح شده کافی را در اختیار داشته‌اند.

بر اساس دیدگاه شعرانی، واژه «عشر» در برخی متون حدیثی الحاقی است که ناسخان و روات انجام داده‌اند. از این رو تعبیری نظیر «۱۶ هزار حدیث» نه به معنای تعداد دقیق و واقعی، بلکه به منظور اشاره به کثرت و فراوانی تقریبی احادیث به کار رفته است (مازندرانی، ۱۳۸۸: ۸۷/۱۱) و اگر بر فرض تعبیر «سبعة عشر الف» صحیح باشد منظور امام علیه السلام از ۱۷ هزار آیه، مجموعه‌هایی از امور و حیاتی و... اعم از آیات قرآن و غیر آن است، چراکه غیر از قرآن بر اساس آیات ۴ و ۵ سورة نجم، امور دیگری بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم وحی شد، در حالی که شامل آیات قرآن نیست. لذا هر آنچه را بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وحی شده است نمی‌توان صرفاً از آیات قرآن دانست (معرفت، ۱۴۱۳: ۲۶۶).

ب. حذف اسامی هفتاد نفر از قریش: «عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ قَالَ: دَفَعَ إِلَيَّ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام (مُصْحَفًا) وَقَالَ لَا تَنْظُرُ فِيهِ فَفَتَحْتُهُ وَقَرَأْتُ فِيهِ) لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَجَدْتُ فِيهَا اسْمَ سَبْعِينَ رَجُلًا مِنْ قُرَيْشٍ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ قَالَ فَبَعَثْتُ إِلَيَّ ابْعَثْ إِلَيَّ بِالْمُصْحَفِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۶۳۱/۲). این روایت حاکی از وجود هفتاد نفر از قریشیان در مصحف امیرالمؤمنین عليه السلام است، در حالی که این اسامی در مصحف قرآن کریم ذکر نشده و این نشان‌دهنده تحریف در مصحف عموم مسلمانان است.

در پاسخ می‌توان گفت از جهت سندی این روایت مرسل است (مجلسی، ۱۳۷۹: ۵۲۱/۱۲). و از نظر محتوایی ابهاماتی دارد، اما با توجه به حدیثی که کشی در شرح حال ابن‌ابی‌نصر بزنطی آورده تا حدودی مسئله آشکار می‌شود. بزنطی می‌گوید: «وقتی قصد داشتیم امام ابوالحسن عليه السلام را دیدار کنم مأموران هارون الرشید ایشان را دستگیر کردند و امام عليه السلام مصحفی برایم ارسال کرد. وقتی باز کردم سوره «بینه» را از قرآن مرسوم نزد مسلمانان بیشتر دیدم» (طوسی، ۱۴۰۴: ۸۵۳/۱، ۱۱۰۱).

با توجه به دو روایت مذکور:

۱. افزایش حجم سوره بینه به دلیل وجود اسامی هفتاد نفر از قریش بوده است. امام عليه السلام از این بیم داشتند که مأموران اسامی را ببینند و فتنه‌انگیز شود. به همین دلیل، بزنطی را از قرائتش منع کردند، اما او نافرمانی کرد.
۲. بی‌تردید این اسامی متعلق به هفتاد نفر از بزرگان قریش است که در حال کفر یا با ظاهری مسلمان و باطنی کافر از دنیا رفته‌اند. این اسامی در حاشیه مصحف امام عليه السلام و در تفسیر و توضیح آیه «لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا...» (بینه: ۱) نگاشته شده است.

فیض کاشانی ذیل این آیه می‌گوید اسامی هفتاد نفر برای رفع ابهام و تفسیر آیات دشوار بوده و طبیعی تلقی می‌شود؛ و به این معنا نیست که این اسامی جزئی از آیه بوده تا شبهه تحریف قرآن را ایجاد کند (فیض کاشانی، ۱۴۱۲: ۱۷۸۱/۹؛ معرفت، ۱۴۱۳: ۲۶۳).

نتیجه

ادعای عبدالعزیز دهلوی، یعنی اعتقاد شیعه به تحریف قرآن، مبنای استواری ندارد و

برخاسته از سوء برداشت، تفسیر نادرست از برخی روایات و نادیده گرفتن آرای علمای شیعه است. کوشیدیم برای رفع سوء تفاهم‌ها و تقویت وحدت اسلامی، دیدگاه صحیح شیعه را درباره مصونیت قرآن از تحریف، تبیین کنیم. با توجه به اهمیت موضوع و وجود اختلافات تاریخی، پژوهش‌های بیشتر در این زمینه ضروری است. مهم‌ترین نتایج این پژوهش چنین است:

۱. نقد مبنای استناد دهلوی به روایات *الکافی*: استناد دهلوی به روایات خاصی

از کتاب کافی برای اثبات اعتقاد شیعه به تحریف، مبتنی بر تفسیر نادرست و خارج از سیاق این روایات است. بررسی دقیق این روایات نشان می‌دهد که نمی‌توان از آن‌ها نتیجه گرفت که شیعه به تحریف قرآن اعتقاد دارد. به طور خاص، به دو روایت اصلی، که دهلوی به آن استناد کرده است، پرداختیم:

الف. حدیث هفده هزار آیه: دو پاسخ اصلی به این روایت بیان شد؛ نخست، اثبات نشدن عبارت «عشر آلف» در متن اصلی روایت و احتمال افزوده شدنش به دست راویان؛ دوم، در صورت صحت این عبارت، منظور از هفده هزار آیه می‌تواند مجموعه وحیانی شامل آیات قرآن و سایر وحی‌های الهی به پیامبر ﷺ باشد نه صرفاً آیات قرآن.

ب. روایت حذف اسامی هفتاد نفر از قریش: با اشاره به مرسل بودن این روایت و ابهامات موجود در آن، به نقل قول بزندی اشاره کردیم که این اسامی، تفسیری بر سوره بینه بوده و در حاشیه مصحف امام علی علیه السلام نگاشته شده، نه اینکه جزء متن قرآن باشد.

۲. تأکید بر دیدگاه قطعی شیعه در تحریف نشدن قرآن: با استناد به آیات قرآن

(مانند آیه حفظ)، روایات ائمه علیهم السلام، و دیدگاه‌های علمای برجسته شیعه در طول تاریخ، بر اعتقاد راسخ شیعه امامیه به مصونیت قرآن از تحریف به معنای زیادت و نقصان تأکید کردیم. این تأکید نشان می‌دهد که اعتقاد به تحریف نشدن قرآن، اصل اساسی در مذهب شیعه است.

۳. بررسی مفهوم «تحریف»: تحلیل مفهوم «تحریف» در لغت و اصطلاح نشان

داد برداشت‌های مختلفی از این مفهوم وجود دارد. این تمایز نشان می‌دهد شیعه «تحریف» به معنای تغییر در تفسیر و تأویل را نمی‌پذیرد و صرفاً تحریف به معنای زیادت و نقصان در متن قرآن را مردود می‌داند.

۴. **نقد رویکرد گزینشی دهلوی:** به رویکرد گزینشی دهلوی در استناد به روایات الکافی اشاره کردیم و نشان دادیم دهلوی از روایات دیگری که بر جامعیت و کمال قرآن دلالت دارد غفلت ورزیده است. این گزینش‌گری باعث ایجاد تصویری ناقص و نادرست از دیدگاه شیعه می‌شود.

۵. **ذکرکردن شواهدی بر اعتقادداشتن کلینی به تحریف:** با تحلیل مقدمه کتاب الکافی، عناوین ابواب و محتوای روایاتش، نشان دادیم که کلینی نه فقط به تحریف قرآن معتقد نبوده، بلکه قرآن را کتابی جامع، کامل و مبرا از هر گونه نقص و تحریف می‌دانسته است. استناد به الکافی به عنوان شواهدی بر اعتقاد شیعه به تحریف، بی‌اساس است.

۶. **بررسی نظر علمای اهل سنت درباره تحریف:** به برخی از روایات و اقوال موجود در منابع اهل سنت راجع به تحریف (نقصان) قرآن اشاره کردیم که نشان می‌دهد مسئله تحریف صرفاً مختص شیعه نبوده و در بین علمای اهل سنت هم دیدگاه‌هایی در این باره وجود داشته است.

پی‌نوشت‌ها

۱. نسخه اصلی کتاب را دهلوی به صورت خطی قدیمی به زبان فارسی نوشته است. پس از انجام اصلاحات و ویرایش، در ۱۴۲۸ ه. ق. به همت مکتبه بخاری در مصر به چاپ رسید. این نسخه با تحقیق و ترجمه عربی محمود شکری آلوسی و تعلیق عبدالعزیز بن صالح محمود شافعی منتشر شده است.

۲. «و هو القرآن فانه ساقط الاعتبار عند الشيعة بالكلية لا يصلح التمسك به كالتوراة والانجيل لكثرة وقوع التحريف فيه بزعمهم وكثير من احكامه منسوخة وكثير من الآيات والصور الناسخة للاحكام والمخصصة للعموميات اسقطت والذي بقي منه بعضه مبدل الالفاظ، بعضه زائد والبعض نقص منه».

۳. اشعری ذیل عنوان «قول الروافض في القرآن: هل زيد او نقص منه؟» می‌نویسد: «اختلف الروافض في القرآن، و هم ثلاث فرق: الفرقة الاولى منهم: يزعمون ان القرآن قد نقص منه، و اما الزيادة فذلك غير جائز ان يكون قد كان، و كذلك لا يجوز ان يكون قد غير منه شيء عما كان منه، و الامام يحيط علما به... الفرقة الثالثة منهم، و هم القائلون بالاعتزال و الامامة: فيزعمون ان القرآن ما نقص منه و لا زيد فيه و انه على ما انزل الله تعالى على نبيه عليه الصلاة والسلام لم يغير و لم يبدل و لا زال عما كان عليه».

۴. ۱. تنظیم آیه یا سوره برخلاف ترتیب نزول قرآن (معرفت، ۱۴۱۳: ۱۶)؛ ۲. تحریف معنوی: جابه‌جایی لفظی به معنایی که برخلاف مقصود باشد (خویی، ۱۳۸۴: ۲۶۳)؛ ۳. قرائت کلمه برخلاف قرائت مشهور (عمیدی، ۱۴۱۶: ۲۲۰/۲)؛ ۴. مقدم‌کردن کلمه‌ای که جایگاهش آخر است و برعکس (خویی، ۱۳۸۴: ۲۴۴)؛ ۵. تحریف در کلمات و حروف به زیادت و نقصان به طوری که در معنا تغییر ایجاد نشود (معرفت، ۱۴۱۳: ۱۸)؛ ۶. تحریف در کلمات به زیادت و نقصان با حفظ اصل آیه به منظور توضیح و رفع ابهام (عمیدی، ۱۴۱۶: ۲۲۱/۲).

۵. «ان هذا القرآن فيه مصابيح النور و شفاء الصدور... كتاب الله فيه تفصيل كل شيء لا ياتيه الباطل من بين يديه و لا من خلفه و الموعول عليه في كل شيء لا تخطننا تاويله بل نتيقن حقايقه، فاطيعونا فاطاعتنا مفروضة».
۶. وقتی خبر شهادت مسلم بن عقيل را شنيدند اين آيه را تلاوت كردند: «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَصَىٰ نَجَبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا بَدِيلًا» (احزاب: ۲۳).
۷. در شام وقتی سر مبارک امام حسين عليه السلام روى نيزه آياتى از سوره كهف را قرائت كردند: «أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا» (كهف: ۹).
۸. امام عليه السلام در دعای ختم قرآن فرمودند: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَعْتَبْتَنِي عَلَىٰ خَتْمِ كِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَهُ نُورًا، وَ جَعَلْتَهُ مُهَيِّبًا عَلَيَّ كُلِّ كِتَابٍ أَنْزَلْتَهُ، وَ فَضَّلْتَهُ عَلَيَّ كُلِّ حَدِيثٍ قَصَصْتَهُ وَ فُرْقَانًا فَرَّقْتَ بِهِ بَيْنَ حَلَائِكِ وَ حَرَامِكَ».
۹. امام عليه السلام وقتی شنيدند فتاده قرآن را از خود تفسير مى كند فرمودند: «يا فتاده ان كنت إنما فسرت القرآن من تلقاء نفسك فقد هلكت و أهلكت و ان كنت أخذته من الرجال فقد هلكت و أهلكت».
۱۰. امام عليه السلام در باب فضل قرآن فرمودند: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ فِيهِ مَنَارُ الْهُدَىٰ وَ مَصَابِيحُ الدُّجَىٰ فَلْيُجِلُّ جَلَالِ بَصَرِهِ وَ يَفْتَحْ لِلصَّبِيَاءِ نَظْرَهُ فَإِنَّ التَّفَكُّرَ حَيَاةٌ لِقَلْبِ الْبَصِيرِ كَمَا يَمْشِي الْمُشْتَبِرُ فِي الظُّلُمَاتِ بِالنُّورِ».
۱۱. «أما الكلام في زيادته و نقصانه فمما لا يليق به ايضاً، لأن الزيادة فيه مجمع على بطلانها. و النقصان منه، فالظاهر ايضاً من مذهب المسلمين خلافه و هو الأليق بالصحيح من مذهبنا و هو الذى نصره المرتضى».
۱۲. «الحق انه لا تبديل و لا تأخير و لا تقديم فيه و انه لم يزد و لا ينقص و نعوذ بالله تعالى من ان يعتقد مثل ذلك و امثال ذلك، فانه يوجب التطرق الى معجزة الرسول صلى الله عليه وآله المنقولة بالتواتر».
۱۳. برای تفصيل مواضع علمای شيعة نك: معرفت، ۱۴۱۳؛ رضايى، ۱۳۹۲.
۱۴. عهد عتيق (تورات) از ۳۹ كتاب در طول قرن‌ها از سال ۶۲۱ پيش از ميلاد تا تشكيل شوراي يمنيه گردآورى شده است. يهوديان در حدود سال‌هاى ۱۸۰ پيش از ميلاد، كتاب مقدس را در سه بخش تنظيم كردند: ناموس، پيامبران، مؤلفات. ناموس مشتمل بر پنج كتاب است كه بخش نخست آن عهد عتيق يا همان تورات است. آن‌ها اين كتاب‌ها را به حضرت موسى عليه السلام نسبت مى‌دهند، در حالى كه نظر به قرائن موجود در درون متن نشان مى‌دهد تمامى آن‌ها از ايشان نيست؛ مثلاً در سفر پيدايش به زندگى فلسطينى‌ها اشاره شده، در حالى كه آن‌ها حدود ۱۲۰۰ ميلادى پس از حضرت موسى عليه السلام پديد آمدند.
۱۵. «روى الكليني عن هشام بن سالم عن ابي عبد الله عليه السلام: ان القرآن الذى جاء به جبرئيل الى محمد سبعة عشر الف آية. و سقط ايضاً لفظ «ويلك» قبل قوله تعالى: «لا تحزن ان الله معنا» و لفظ «ولاية على» بعد قوله «وقفوهم انهم مسئولون» و لفظ «على بن ابي طالب» بعد قوله: «و كفى الله المؤمنين القتال» و لفظ «آل محمد» من قوله: «و سيعلم الذين ظلموا» «آل محمد» اى منقلب يتقلبون و لفظ «على» بعد قوله «و لكل قوم هاد». ذكر كل ذلك ابن شهر آشوب المازندراني فى الكتاب «المطالب» له».
۱۶. كتاب الفرقان فى تحريف القرآن، نوشته ابن الخطيب مصرى سنى، به موضوع تحريف قرآن در منابع اهل سنت مى‌پردازد. اين اثر در ۱۹۴۸ (۱۳۶۷ ه. ق.) منتشر شد و دانشگاه الأزهر پس از اطلاع، اقدام به جمع‌آورى و امحاي نسخه‌هايش كرد؛ هرچند تعدادى از آن به صورت غيرقانونى منتشر شد و در دسترس قرار گرفت (نك: مكارم شيرازى، شيعة پاسخ مى‌گويد: ۲۰).
۱۷. «جميع حروف القرآن ثلاثمائة الف حرف، و ثلاث و عشرون الف حرف و ستمائة حرف، و واحد و سبعون حرف».
۱۸. «قال عمر بن الخطاب: القرآن: الف الف حرف و سبعة و عشرون الف حرف، فمن قرأه صابراً محتسباً كان له بكل حرف زوجة من حور العين».
۱۹. متن آيه رجم: «الشَّيْخُ وَالشَّيْخَةُ إِذَا زَنِيَا فَارْجُمُوهُمَا الْبَتَّةَ نَكَالًا مِنَ اللَّهِ، وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ».
۲۰. قال عمر: «لقد خشيت ان يطول بالناس زمان، حتى يقول قائل: لا نجد الِرجم فى كتاب الله، ففضلوا بترك فريضة انزلها الله».
۲۱. «عن زر بن حبیش عن ابي بن كعب قال: كم تفرنون سورة الاحزاب؟ قال: بضعا و سبعين آية، قال: لقد قرأتها مع رسول

الله ﷻ مثل البقرة أو أكثر منها، و ان فيها آية الرجم» (ابن حنبل، ۱۴۱۴)؛ حاكم نيشابورى بعد از نقل روايت مذكور تصحيح مى كند: «هذا الحديث صحيح الاسناد و لم يخرجاه».

۲۲. «ليستا من كتاب الله تعالى و انما امر النبي ﷺ ان يتعوذ بهما و لهذا عوذ بهما الحسن والحسين ﷺ».

۲۳. متن سورة خلع: «بسم الله الرحمن الرحيم، اللهم انا نستعينك و نستغفرك، و نثنى عليك و لا نكفرک و نخلع و نترك من يفجرک»؛ و متن سورة حقد: «بسم الله الرحمن الرحيم، اللهم اياك نعبد، و لك نصلی و نسجد و اليك نسعى و نحفد نرجو رحمتك، و نخشى نقمتك، ان عذابك بالكافرين ملحق».



منابع

١. قرآن كريم (١٣٧٣). ترجمة: ناصر مكارم شيرازي، قم: دفتر مطالعات تاريخ و معارف اسلامي، چاپ دوم.
٢. آلوسی بغدادی، سيد محمود (بی تا). روح المعانی فی تفسیر القرآن والسبع المثانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
٣. الامام علی بن الحسين زين العابدين عليه السلام (١٣٨١). صحیفة كاملة سجادية، ترجمه و تعليق: علی رضا رجالی تهرانی، تهران: گاه سحر، چاپ اول.
٤. ابن الجوزی، عبدالرحمن بن علی (١٤٠٧). عجائب القرآن، تحقيق: عبد الفتاح عاشور، قاهره: الزهراء للاعلام العربی، الطبعة الاولى.
٥. ابن بابويه قمی (صدوق)، محمد بن علی (١٤١٤). الإعتقادات الامامية، قم: دار المفید، الطبعة الثانية.
٦. ابن حزم اندلسی، علی بن احمد (١٤٢٢). الفصل فی الملل والاهواء والنحل، تحقيق: محمد ابراهيم نصر عبد الرحمن عميره، بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة الاولى.
٧. ابن حنبل، احمد (١٤١٤). المسند، تحقيق: صدقی محمد جمیل العطار، بیروت: دار الفكر.
٨. ابن فارس، احمد (١٤٠٤). معجم مقایس اللغة، تحقيق: عبد السلام محمد هارون، قم: مكتب الاعلام الاسلامی، الطبعة الاولى.
٩. ابن كثير، اسماعيل بن عمر (بی تا). البداية والنهاية، تحقيق: علی شیری، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
١٠. اشعری، ابوالحسن علی بن اسماعیل (١٩٩٩/١٤١٩). مقالات الاسلامیین واختلاف المصلین، تحقيق: محمد محیی الدین عبد الحمید، بیروت: مكتبة العصرية للطباعة والنشر، الطبعة الاولى.
١١. بخاری، محمد بن اسماعیل (١٤١٤). صحیح البخاری، بیروت: دار ابن کثیر، الطبعة الخامسة.
١٢. بغدادی، عبد القاهر بن طاهر (١٩٧٧). الفرق بین الفرق و بیان الفرقة الناجية، بیروت: دار الافاق الجديدة، الطبعة الثانية.
١٣. بلاذری، احمد بن یحیی (١٤١٧). جمل انساب الاشراف، تحقيق: سهیل ذکار ریاض زركلی، بیروت: دار الفكر، الطبعة الاولى.
١٤. بیومی، محمد (١٤٢٧). حقیقة الشيعة و هل يمكن تقاربهم مع اهل السنة، قاهره: دار الغد الجديد، الطبعة الاولى.

١٥. حلى، حسن بن يوسف (١٤٠١). اجوبة المسائل المهنية، قم: مطبعة الخيام.
١٦. خويى، سيد ابوالقاسم (١٣٨٤). البيان فى تفسير القرآن، ترجمه: جعفر حسيني، قم: دار الثقليين، چاپ اول.
١٧. دهلوى، عبد العزيز (١٤٢٨). سعادة الدارين فى شرح حديث الثقليين، تحقيق: محمود شكرى آلوسى، قاهره: مكتبة امام البخارى، الطبعة الاولى.
١٨. راغب اصفهاني، حسين بن محمد (١٤٢٨). المفردات فى غريب القرآن، ضبط: هيثم طعيلى، بيروت: دار احياء التراث العربى، الطبعة الاولى.
١٩. راوندى، قطب الدين (١٤٠٩). الخرائج والجرائح، قم: مؤسسة الامام المهدي، چاپ اول.
٢٠. رضايى، اسدالله (١٣٩٢). پژوهشى پيرامون اصول كافى، تهران: چاپخانه مشعر، چاپ اول.
٢١. سيد رضى، محمد بن حسين (١٣٨٦). نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتى، مشهد: سنبله، چاپ دوم.
٢٢. سيوطى، جلال الدين (١٤٢٩). الاتقان فى علوم القرآن، تحقيق: محمد سالم هاشم، قم: ذوى القربى، الطبعة الثانية.
٢٣. طوسى، محمد بن حسن (١٤٠٤). اختيار معرفة الرجال (رجال كشى)، تحقيق: سيد مهدى رجايى، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام.
٢٤. طوسى، محمد بن حسن (بى تا). التبيان فى تفسير القرآن، بيروت: دار احياء التراث العربى، الطبعة الاولى.
٢٥. ظهير، احسان الهى (بى تا). الشيعة والسنة، رياض: مكتبة بيت السلام.
٢٦. عميدى، ثامر هاشم حبيب (١٤١٦). دفاع عن الكافى، قم: مركز الغدير للدراسات الاسلامية، الطبعة الاولى.
٢٧. غزالى، محمد (٢٠٠٥). دفاع عن العقيدة والشريعة ضد مطاعن المستشرقين، قاهره: نهضة مصر.
٢٨. فيض كاشانى، محمد بن مرتضى (١٤١٢). الوافى، اصفهان: مكتبة الامام امير المؤمنين عليه السلام، الطبعة الاولى.
٢٩. كلينى، محمد بن يعقوب (١٤٠٧). الكافى، تحقيق: على اكبر غفارى و محمد آخوندى، تهران: دار الكتب الاسلامية.
٣٠. مازندراني، مولا صالح (١٣٨٨). شرح اصول الكافى، تهران: دار الكتب الاسلامية.
٣١. مجلسى، محمد باقر (١٣٧٩). مرآة العقول فى شرح اخبار آل الرسول، تهران: دار الكتب الاسلامية.

٣٢. مجمع العالمى لاهل البيت عليه السلام (١٤٢٢). اعلام الهداية الامام الحسن عليه السلام، قم: المجمع العالمى لاهل البيت عليه السلام، الطبعة الاولى.
٣٣. معرفت، محمد هادى (١٤١٣). صيانة القرآن من التحريف، قم: مؤسسة النشر الاسلامى التابعة لجماعة المدرسين، الطبعة الاولى.
٣٤. مفيد، محمد بن محمد (١٤١٣). المسائل السروية، تحقيق: قسم الدراسات الاسلامية، قم: مؤسسة البعثة (المؤتمر العالمى لالفية الشيخ المفيد)، الطبعة الثانية.
٣٥. نجارزادگان، فتح الله (١٣٩١). بررسى تطبيقى مبانى تفسير قرآن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ سوم.
٣٦. نيشابورى، محمد بن عبد الله (١٤١١). المستدرک على الصحيحين للحاكم مع تعليقات الذهبى فى التلخيص، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية.
٣٧. هندى، رحمة الله بن خليل الرحمن (١٤٣٠). اظهار الحق، تحقيق: محمد احمد ملكاوى، رياض: الرئاسة العامة لادارات البحوث العالمية، الطبعة الخامسة.
٣٨. هندى، على بن حسام الدين (١٩٨٩). كنز العمال فى سنن الاقوال والافعال، بيروت: مؤسسة الرسالة.
٣٩. هيثمى، نور الدين على بن ابى بكر (١٤٠٢). مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بتقرير العراقى و ابن حجر، بيروت: دار الكتب العربى، الطبعة الثالثة.